

از جمله خطوط اصلی جنگ روانی و سیاسی دشمنان ایران اسلامی طی این سالها دمیدن در تئوری «مرگ انقلاب» بوده است. دشمن بیرونی، اذتاب داخلی و برخی وادادگان همواره از این سخن گفته‌اند که با گذشت ۴ دهه از پیروزی انقلاب و با تغییر و تحولات رخ داده در متن جامعه، امروز موجود زنده‌ای تحت عنوان «انقلاب اسلامی» واقعیت عینی و خارجی ندارد. اما این همه با حادثه‌ی شهادت حاج قاسم سلیمانی در چشم برهم‌زدنی نیست و نابود شد. حضور کم‌سابقه و چند ده میلیونی مردم در مراسمات تشییع شهید و همچنین حضور توده‌های ملت در انواع و اقسام راه‌پیمایی‌ها و برنامه‌ها با قاطعیت به دنیا اعلام کرد که نه تنها انقلاب اسلامی به‌عنوان یک پدیده‌ی انسانی زنده به حیات خود ادامه می‌دهد بلکه مردم نیز پای آرمانها و اصول و ارزشهای این انقلاب ایستاده و از استمرار خط انقلابی‌گری در کشور حمایتی همه‌جانبه و مستحکم می‌کنند.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۶۶ / شنبه ۲۱ دیماه ۱۳۹۸

چرا انتقام سخت از پایگاه عین‌الاسد آغاز شد؟

فارس: سپاه پاسخ به جنایت ترور حاج قاسم سلیمانی را با حمله به مهم‌ترین دارایی‌های راهبردی امریکا در خاورمیانه آغاز کرد. حملات به پایگاه‌های عین‌الاسد و اربیل در واقع حمله به زیرساخت فرماندهی و کنترل، شنود، رادار، جنگ الکترونیک و به عبارت بهتر، حمله به مغز، چشم و گوش امریکا در منطقه است. این حمله که در مقایسه با گام‌های طراحی شده بعدی فقط یک گام اولیه محسوب می‌شود با هدف گرفتن بیشترین تلفات در چند موج برنامه‌ریزی و انجام شده است. پیام این حمله این است که ضربه دوم ایران، در صورت لزوم، کاملا عملیاتی و بسیار سهمگین‌تر خواهد بود. آنچه در بامداد روز ۱۸ دی (۸ ژانویه) اتفاق افتاد آغاز یک کمپین بزرگ برای هدف قرار دادن اتباع، تاسیسات و تجهیزات امریکایی در خاورمیانه است که به شدت توزیع شده، در یک جغرافیای بزرگ با حضور تعداد قابل توجهی از بازیگران اعمال می‌شود و میان بازیگران دخیل در آن هماهنگی بسیار پیچیده‌ای برقرار است. موشک‌ها صرفا بخش‌های مرئی یک عملیات بی‌سابقه و دراز دامنه هستند که در روزهای گذشته با دقتی استثنایی طرح‌ریزی و مرحله‌بندی شده‌اند. ساعت‌های آینده می‌تواند برای امریکایی‌ها حامل زنجیره‌ای از اتفاقات باشد که در تاریخ خود هیچ نمونه‌ای مشابه آن ندیده‌اند. خاورمیانه به تدریج جایی خواهد بود که هیچ امریکایی نمی‌تواند آسان در آن قدم بگذارد و از آن مهم‌تر، متحد امریکا بودن در خاورمیانه دیگر هرگز معنای سابق را نخواهد داشت. ضربه دوم ایران در صورت لزوم، نه فقط اماکن و پرسنل نظامی بلکه مراکز تصمیم‌گیری سیاسی و امنیتی اسرائیل، سعودی و امارات و تاسیسات کلیدی اقتصادی آنها را هدف خواهد گرفت.

مطابق عکس‌های پهپادی و ماهواره‌ای پایگاه عین‌الاسد به طور کامل نابود شده، بیش از ۱۵۰۰ امریکایی در آن حاضر بوده‌اند. تلفات بی‌سابقه و قطعی است. حتی خود امریکا هم هنوز برآورد درستی ندارد. عین‌الاسد جایی است که امریکا از امنیت آن آنقدر مطمئن بود که از روز جمعه همه دارایی‌های حساس خود را آنجا جمع کرد. سامانه‌های جمع‌آوری اطلاعات امریکا نیز همه نابود شده. به دلیل کنترل امریکا بر زمین و آسمان اطراف پایگاه نه برای ما و نه عراق جمع‌آوری فوری مستندات کشته‌ها به سرعت میسر نیست. با این حال کشته‌های نیروهای امریکایی چیزی نیست که کسی بتواند در دراز مدت آن را پنهان کند.

معنای یک شلیک

جوان: شلیک موشک‌های جمهوری اسلامی ایران از سوی فرزندان ملت به مراکز نظامی شیطان بزرگ مانند همه مسائل دیگر در کانون دو قطب تحلیلی مرسوم قرار گرفت؛ یک قطب افتخار و یک قطب تلاش برای کم‌اهمیت جلوه دادن آن. ارزش شلیک موشک‌های سپاه به مواضع امریکا و واکنش‌های بعدی آن را باید در یک قاب دید و یک بار دیگر ایران شناسی را به نظاره نشست. اما پیش از ورود به شمارش دستاوردهای این شلیک این نکته را باید یادآوری کرد که انتقام موعود نظام جمهوری اسلامی تاکتیکی نبود (کشتن یک یا چند امریکایی)، از روز اول فرمانده سپاه بر «انتقام راهبردی» تأکید کرد و آنچه هم در عین‌الاسد انجام شد، در حد سیلی - نه حتی سیلی محکم - ارزیابی شد؛ لذا انتقام جمهوری اسلامی به معنای تحقق آرمان شهید سلیمانی در اخراج امریکا از جهان اسلام است. معنای آن شلیک چه بود؟

۱- اولین معنای شلیک اثبات مدعای پایان یافتن دوران بزن در رو از سوی ایران است. امریکایی‌ها متوجه شدند که این معنا را امروز و آینده باید خوب فهم کنند که با پدیده‌ای مواجه هستند که در ۳۰۰ سال گذشته ندیده‌اند.

۲- این شلیک دومین شلیک به امریکا در طول تاریخ است. شلیک اول را در یاسالار ژاپنی «یاما موتو» در ۱۹۴۱ انجام داد و دو سال بعد - یعنی ۱۹۴۳ - امریکایی‌ها وی را ترور کردند. ژاپنی‌ها از جواب صرف‌نظر کردند تا اینکه گرفتار بمباران اتمی با ۲۲۰ هزار کشته شدند. ایران دومین شلیک را کرد، اما در پاسخ به ترور بود. در آنجا امریکا وارد جنگ دوم جهانی شد، اما اینجا جسارت آغاز جنگ سوم جهانی را نداشت. ۳- این شلیک از سوی یک کشور جهان‌سومی به بزرگ‌ترین قدرت نظامی - اقتصادی جهان انجام شده است که احساس قدرت ملی و ایمانی یک ملت را به اثبات می‌رساند. اما مهم‌تر از آن اعلام قبلی این شلیک و پذیرش مسئولیت آن همزمان با اصابت موشک‌ها در محل مدنظر است. این جسارت در جهان سوم بی‌نظیر است. ۴- سلاح شلیک شده بومی است، یعنی ایران با سلاح شرق و غرب به پایگاه امریکا شلیک نکرده است بلکه مانور سخت‌کوشی فرزندان خود را در مقابل چشم جهانیان برگزار کرده است.

۵- از فردای این شلیک دو دسته در تنظیم نگرش، رفتار و روابط با ایران بازننگری و خود را تنظیم مجدد خواهند کرد؛ دسته اول قدرت‌های شرقی هستند که با امریکا گلاویزند و دوم کشورهای جنوبی خلیج فارس هستند که حساب کار دست‌شان آمد که هم نوکری امریکا امنیت ایجاد نمی‌کند، هم تحریم ایران صلابت و اقتدار این کشور را فرو نکاسته است و شما در برزخ موجود باید امنیت بومی را بر امنیت عاریتی ترجیح دهید.

۶- آنچه ایرانیان و ملت‌های در بند باید متوجه شوند، این است که اقدام نظامی ایران یعنی اقدام نظامی کشوری که از کاپیتولاسیون به اینجا رسیده است. بعد از اخراج ۴۳ مستشار نظامی امریکا به شلیک موشک‌های نقطه‌زن و دوربرد رسیده است و این از نظر مدت زمان طی شده چیزی شبیه معجزه است. ۷- اینکه یک ابرقدرت پاسخ چنین جسارتی را نمی‌دهد و سعی در کوچک نشان دادن آن دارد نیز برای فرار از فشار پاسخگویی در درون امریکا است، اما دولتمردان امریکا متوجه شده‌اند که هر واکنشی باعث حمله به ده‌ها نقطه دیگر خواهد شد و این خود شاخصی از قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی در مواجهه با قدرت‌های بزرگ است. قطعاً شیب مواجهه با امریکا در غرب آسیا در شعاع همه جغرافیای آن شروع شده است و شلیک موشک از سوی ایران به مثابه افتتاح این پروژه و قیچی روبان آن بود، اما بمباران مرز بوکمال توسط صهیونیست‌ها نشان می‌دهد برای این فقره هم باید تصمیمی پشیمان‌کننده اتخاذ کرد تا صهیونیست‌ها نیز بسان پدر تنظیم مجدد شوند. سپاه برای انجام این مهم شورای عالی امنیت ملی را متقاعد نماید.

خون حاج قاسم؛ عصای موسی

کیهان: اقدام جمهوری اسلامی ایران (عملیات موشکی سپاه در زدن پایگاه عین الاسد) را باید از این منظر استراتژیک نگریست. کدام کشوری در دنیا جرات و جسارت این را دارد که آمریکا را بطور مستقیم به چالش نظامی کشیده و پایگاه آن را موشکباران کند و از موضعی مقتدرانه مسئولیت آن را بر عهده بگیرد؟ سانسور عجیب و کم‌نظیر آنچه بر عین‌الاسد و نیروهایش گذشته، نشان می‌دهد اتفاقاً برخلاف گفته ترامپ، اوضاع خراب‌تر از آن است که حتی فکرش را هم می‌کردند. پس چه شد آن همه سامانه پدافندی و تکنولوژی و رهگیری و برتری الکترونیکی و...؟! خداوند بر درجات امام راحل بیفزاید که یک روز پس از فتح خرمشهر فرمودند: «این پیروزی عظیم و بزرگی که رزمندگان ما به دست آورده‌اند و وابسته به قدرت‌های بزرگ را از سرزمین خودمان بیرون کردند، از حفظ وحدت است. امروز تمامی رسانه‌های گروهی سعی می‌کنند یا پیروزی ما را منعکس نکنند و یا اگر می‌کنند، بلافاصله با داد و بیداد خطر این پیروزی را در منطقه گوشزد نمایند و فریاد برمی‌دارند که اگر ایران پیروز شود با منطقه چه می‌کند، با کشورهای خلیج فارس چه خواهد کرد.» بازی تازه آنها درباره سقوط هواپیمای اوکراینی و جان باختن ده‌ها هموطن ایرانی و برخی غیرایرانیان، سیاستی در همین زمینه است. چه بهتر از اینکه با طرح ادعاهای بی‌پایه، افکار عمومی را از آن خفت و خواری بزرگ و تاریخی منحرف کنند. کدام آمریکا امروز مدعی حقیقت و جان بیگناهان است، همان که هواپیمای مسافری کشورمان را در سال ۱۳۶۷ با ۲۹۰ مسافر بر فراز خلیج فارس با شلیک موشک ساقط کرد و به فرمانده جنایتکار ناو متجاوز، مدال شجاعت داد. بله! دنیا همینقدر کثیف و در عین حال مضحک است که جنایتکارترین و تروریست‌ترین‌ها، بیش از همه مدعی انسانیت هستند. عملیات مقتدرانه و موفقیت‌آمیز سپاه علیه پایگاه آمریکا، با تمام بزرگی و بی‌نظیر بودن، نباید حواس‌ها را از واقعه‌ای بزرگ‌تر و مهم‌تر پرت کند. آن واقعه بی‌بدیل، حضور حماسی و ده‌ها میلیونی مردم در تشییع و مراسمات بزرگداشت سردار شهید سلیمانی است. به یاد بیاورید در چند سال اخیر، دستگاه عظیم عملیات روانی دشمن برای ایجاد این شبهه در ذهن جامعه که حضور و فعالیت منطقه‌ای ایران برخلاف منافع مردم و کشور است، چقدر تلاش و هزینه کرد. تمام آن هزینه‌ها و تلاش‌ها به برکت خون سردار سلیمانی خنثی شد و البته این هنوز از نتایج سحر است. چقدر سعی کردند تا میان سپاه و ملت شکاف و جدایی ایجاد کنند. سپاه را به ماجراجویی، خشونت، تندروی، فساد و هزار و یک برچسب دیگر متهم کردند اما ملت با آن حضور تاریخی و حماسی خود، نشان داد که باز هم تیر دشمن به سنگ خورده است. می‌گفتند ملت به نظام اعتماد ندارد، پایگاه مردمی نظام ریزش شدید کرده است، مردم از آرمان‌ها و ارزش‌ها بریده‌اند، با ولایت زاویه گرفته‌اند، فرهنگ شهادت کم‌رنگ و فراموش شده است و... آنقدر گفته بودند که برخی از خودی‌ها نیز تحت تاثیر قرار گرفته و از این بمباران سنگین متاثر شده بودند. معجزه خون سردار سلیمانی، همچون عصای موسی، سحر فرعونیان را بلعید و نابود کرد و این از خصایص بندگان خاص خداست که پس از مرگ نیز برکات و اثرات آنها پایان نمی‌پذیرد و حتی بیشتر هم می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های آمریکا طی بخصوص دو دهه اخیر آن بوده است که ذهنیت شهروند ایرانی را نسبت به دشمنی خود، دستکاری کند؛ آمریکا دشمن نیست و آنان که از دشمنی آمریکا می‌گویند دچار توهم توطئه هستند و برای منافع خاص خود دشمن‌تراشی می‌کنند. یکی از بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین ثمرات خون سردار سلیمانی آن بود که به قول رهبر انقلاب «چشمهای غبارگرفته را باز» کرد و ذهن‌ها و دل‌های اسیر روزمرگی و گرفتار عملیات روانی پیچیده و مستمر حریف را بیدار و متوجه این واقعیت کلیدی و بسیار مهم کرد که دشمن، وجود

دارد و از قضا بسیار جنایتکار و غیرقابل اعتماد نیز هست. اشکها، مشت‌های گره کرده و فریاد انتقام، انتقام آن جمعیت‌های چند ده میلیونی در سراسر کشور، حاصل این تلنگر و بیداری بود که البته برای آن هزینه سنگینی پرداخت شد و داغ بزرگی بر دل‌ها نشست. و اما انتقام سخت؛ شلیک موشک‌ها به پایگاه‌های آمریکایی تنها یک سیلی بود. انتقام سخت یک پروسه پیچیده و دارای ابعاد گوناگون است. نباید ماجرا را ساده سازی کرد و آن را صرفاً به تحرکات نظامی تقلیل داد. رویارویی ایران و آمریکا فراتر از شلیک موشک‌هاست. البته در عین حال نباید ماجرا را دچار شعارزدگی و حرف‌های کلی و دورنماهای خیالی هم کرد و نباید از برخورد نظامی با دشمن غفلت ورزید. هم ساده‌سازی مسئله غلط است و هم خیال‌بافی. اگر تو نیز دلت برای شهادت حاج قاسم لرزید، اشکی بر گونه‌ات جاری شد، مшти گره کردی و قدمی برداشتی، پس در گرفتن انتقام سخت از دشمن نقشی داری. انتقام سخت فقط وظیفه هم‌زمان حاج قاسم نیست. وظیفه من و شما نیز هست. مهم این است که وظیفه و نقش خود را بشناسیم و به آن عمل کنیم. اولین وظیفه تکریم و بزرگداشت این مجاهد راه خدا بود که مردم به نحو احسن آن را انجام دادند و به قول بری مک کافری، ژنرال چهار ستاره آمریکایی، موجب ترس ترامپ تا سرحد مرگ شدند. گام‌های بعدی در راه است. این بصیرت و حضور، سیلی‌های بسیاری برای آمریکا در پی خواهد داشت. شب دراز است و قلندر بیدار.

اصابت ۱۳ موشک به مجلس و کاخ سفید آمریکا!

مشرق نیوز: مجلس نمایندگان آمریکا که اکثریت دموکرات‌های آن از احتمال جنگ با ایران واهمه دارند، طرحی را که خواستار کاهش اختیارات جنگی رئیس‌جمهور این کشور است به تصویب رساند. چند ساعت بعد از عقب نشینی آشکار ترامپ و دولت جمهوریخواه آمریکا پس از حمله موشکی به عین الاسد، اینک کل مجموعه حاکمیت و نظام آمریکا یکپارچه «غلط کردیم» را فریاد می‌زند. عجب صحنه تاریخی عملیات «انتقام سخت» جمهوری اسلامی ایران رقم زده؛ انگار این موشک‌ها فقط به عین الاسد نخورده بلکه دقیق‌تر به قلب و مغز مجلس و دولت آمریکا نیز اصابت کرده است. الان در آمریکا درباره عقب نشینی در برابر ایران اختلافی بین جمهوریخواهان و دموکرات‌ها نیست و این یکی از تاریخی‌ترین اجماع‌های ملی آمریکا هست! سی سال قبل امام خمینی درباره احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران فرمود: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند». امروز آیت الله خامنه‌ای کاری کرده است که خود مقامات آمریکا این جمله را فریاد بزنند. این تازه تنها با ۱۳ موشک اتفاق افتاده.



